

آثار تقوا از منظر آیات و روایات

الهام هاتقی^۱
فاطمه دلشب

چکیده

تقوایست که ذات و توشه برای قیامت است و انسان را به سعادت می‌رساند. تقوا باعث دور شدن از آلودگی‌ها می‌شود و رستگاری را به دنبال دارد. پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از متون اسلامی و کتابخانه‌ای ارائه شده است. تقوا از منظر آیات و روایات در دوحیطه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته شده است. آثار فردی تقوا در امتحان تقوا از قیامت تقوا و اهمیت آن تقوا مانع آدمی از کم فروشی آثار اجتماعی تقوا که در اجتماع مطرح است تقوا در گواهی تقوا در حجاب تقوا مانع دین فروشی و خودفروشی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه:

تقوا؛ قیامت؛ ایمان؛ رستگاری؛ هدایت؛

^۱ طلبه حوزه علمیه فاطمیه اشکنر، ۰۹۹۱۳۵۳۲۹۲۷.

مقدمه

در قرآن واژه تقوا ۱۷ بار و مشتقات آن بیش از ۲۰۰ بار آمده تقوا در قرآن به چند معنا به کار رفته است ما باید در تمام کارهایمان تقوا داشته باشیم که بهترین زاد و توشه برای انسان در قیامت است امام علی علیه السلام می‌فرماید التقی سابق الی کل خیر تقوا پیشه برای انجام هر کار خیری سبقت می‌گیرد در متون اسلامی تقوا به عنوان یک هدف ارزشمند مطرح شده تقوا باعث سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت می‌شود در قرآن بر تقوا تاکید زیادی شده و با نداشتن تقوا انسان‌ها هر کار اشتباهی را انجام می‌دهند همانطور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید پرهیزکاری پیشوای اخلاقیات است و ایمان بدون تقوا سود نمی‌دهد آقای هدایت الله خسروشاهی در سال ۱۳۸۳ در پایان نامه خود با عنوان تقوا از منظر تفاسیر انسانی و آقای عظیم الله نبیلو در سال ۱۳۹۶ در مقاله خود به بررسی رابطه متقابل تفکر و تقوا در قرآن کریم به چاپ رسیده است این مقاله در مورد آثار فردی و اجتماعی تقوا از منظر آیات و روایات است در این مقاله که آثار تقوا از منظر آیات و روایات نام دارد در دو بعد آثار فردی و اجتماعی تقوا مورد بررسی قرار گرفته است محتوای این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از متون اسلامی و کتابخانه‌ای ارائه شده است

مفهوم شناسی

معنای لغوی تقوا

[اسم] [فارسی] - مأخوذ از تازی - پرهیزگاری و ترس از خدا

و زریو.

تقوا در اصطلاح

تقوا: پرهیز از گناه. تقوا صفتی است که انسان را از گناه و نافرمانی خداوند متعال باز می‌دارد و بر طاعت و بندگی او برمی‌انگیزد. به شخص متّصف به این صفت متقی گفته می‌شود. از آن به مناسبت در بابهای اجتهاد و تقلید، صلات و جهاد سخن رفته است. حکم: صفت تقوا محبوب و ممدوح خداوند است و در قرآن کریم بهترین توشه آخرت دانسته (۱) و در روایات به آن بسیار سفارش شده است. (۲) توصیه به تقوا در خطبه نماز جمعه بر امام جمعه واجب است (۳) (← نماز جمعه). در صورت مساوی بودن دو مجتهد از نظر علمی، با تقوا تر بودن یکی از آنان از اسباب ترجیح تقلید به شمار می‌رود. (۴) همچنین پرهیزگارتر بودن در فرض تعدّد امام جماعت و اختلاف نمازگزاران در تقدیم یکی از آنان، جزء اسباب تقدیم و ترجیح شمرده شده است

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)

در [وحی بودن و حَقَانِیَّت] این کتاب [با عظمت] هیچ شکی نیست؛ سراسرش برای پرهیزکاران هدایت است (ترجمه حسین انصاریان)

متقین دارای دو هدایتند هم چنان که کفار و منافقین در دو ضلالت می باشند (هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ) الخ، متقین عبارتند از مؤمنین، چون تقوی از اوصاف خاصه طبقه معینی از مؤمنین نیست، و اینطور نیست که تقوی صفت مرتبه ای از مراتب ایمان باشد، که دارندگان مرتبه پائین تر، مؤمن بی تقوی باشند، و در نتیجه تقوی مانند احسان و اخبات و خلوص، یکی از مقامات ایمان باشد، بلکه صفتی است که با تمامی مراتب ایمان جمع میشود، مگر آنکه ایمان، ایمان واقعی نباشد دلیل این مدعا این است: خدای تعالی دنبال این کلمه، یعنی کلمه (متقین)، وقتی اوصاف آن را بیان می کند، از میانه طبقات مؤمنین، با آن همه اختلاف که در طبقات آنان است، طبقه معینی را مورد نظر قرار نمیدهد، و طوری متقین را توصیف نمیکند که شامل طبقه معینی شود وَ عَنْهُ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّقَاقُ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَدِّدٍ اللَّهِ الْكُوفِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ ، عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ ، قَالَ : سَأَلْتُ الصَّادِقَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ : أَلَمْ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ [۱۸۶] فَقَالَ : «الْمُتَّقُونَ: شِبَعَةُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ ، وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ يَقُولُونَ لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا

إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ [۱۸۷] .

و بر او گفت: علی بن احمد بن محمد الدقاق (رضی الله عنه) برای ما روایت کرد، گفت: محمد بن ابی عبدالله کوفی برای ما روایت کرد، گفت: هود موسی بن عمران آل. نخعی از عمویش حسین بن یزید از علی بن ابی حمزه از یحیی بن ابی القاسم برای ما روایت کرده گفت: از صادق (علیه السلام) سؤال کردم. او) درمورد کلام خداوند متعال: «این کتابی است که در آن هیچ شکی نیست، هدایتی است برای صالحان، آنها به غیب ایمان می آورند، می فرماید: «صالحین: شیعیان علی علیه السلام. و غیب دلیل غایب است، و این را می گوید خداوند متعال می فرماید: «اگر نشانه ای از جانب پروردگار بر او نازل نمی شد، بگو غیب از آن خداست». پس صبر کن، من با تو از منتظران هستم.»

گفتار اول، آثار فردی تقوا

پرهیزکاری خویشتن داری در برابر خواهش های نفسانی پرهیز از موجبات خشم خدا راتقوا می گویند تقوا دارای آثار فردی هست که انسان با داشتن و رعایت تقوا می تواند به رستگاری برسد چند مورد آن بررسی شده است

۱. تقوا در امتحان

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ۱۸۶

یقیناً در اموال و جان هایتان امتحان خواهید شد، و مسلماً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده و [نیز] از کسانی که شرک آوردند، سخنان رنج آور بسیاری خواهید شنید، و اگر [در برابر آزار اینان] شکیبایی ورزید و [از تجاوز از حدود الهی] پرهیزید [سزاوارتر است] این اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است

ترجمه حسین انصاریان

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ کلمه ابلا که مصدر فعل مجهول تبلون است، به معنای آزمایش است، خدای تعالی بعد از آنکه جاری شدن سنت بلا و ابلا را بر مؤمنین ذکر کرد و بعد از آنکه گفتار یهود را که می توانست باعث سستی عزم مؤمنین شود خاطر نشان ساخت، اینک در این آیه به ایشان خبر می دهد به اینکه این بلاى الهی و این سخنان دردآور اهل کتاب و مشرکین درباره مؤمنین تکرار خواهد شد و بزودی مؤمنین با این سخنان بسیار روبرو می شوند، تا جایی که گوششان پر شود، پس بر مؤمنین است که در برابر آن بلاى الهی و این گونه سخنان اهل کتاب و مشرکین صبر کنند، و تقوایش سازند، تا خدای تعالی از لغزش و سستی حفظشان فرماید، و هم

چنان دارای عزم و اراده بمانند و این خود اخبار قبل از وقوع است، تا استعداد و نیروی خود را برای بر خورد با آن آماده سازند، و روغن آن را بر تن خود بمانند و در جمله: وَ لَتَسْمَعَنَّ أَدَى كَثِيرًا بجای اینکه بفرماید از اهل کتاب چه ها خواهید شنید، شنیدنیها را نام نبرد و، بجای آن کلمه اذی کثیرا را آورد، و فرمود بزودی از اهل کتاب اذیت ها بسیار خواهید شنید، و این از باب به کار بردن اثر است مجازا در جای مؤثرانفاق، عرصه آزمایش مالی مؤمنان و جهاد، عرصه آزمایش جانی آنان لتبلون فی اموالکم وانفسکم با توجه به آیات پیشین که درباره جهاد و انفاق بود، می تواند امتحان مالی، ناظر به انفاق و امتحان جانی، ناظر به جهاد باشد.

صبر و مقاومت، حتّی در برابر دشمن، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد.

و لتسمعنّ .. اذی کثیراً و ان تصبروا و تتقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیت های دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۶

انسانها در زندگی در اموال جان هایشان آزمایش میشوند اگر صبر و شکیبایی کنند در امتحان الهی پیروز می شوند و و پاداش می گیرند و اگر ناشکری کنند و شرک بورزند در دنیا سخت می کشند در آخرت عذاب کار خود را می بینند

۲. تقوا از قیامت

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَاقِلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۴۸

و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می کند، و نه از کسی شفاعتی می پذیرند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فیه و عوضی می گیرند، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می شوند

ترجمه حسین انصاریان

بیان نظام زندگی دنیا بر اساس اسباب و وسائط و شفعاء می گردد (وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي) الخ، پادشاهی و سلطنت دنیوی از هر نوعی که باشد، و با جمیع شئون و قوای مقتنه، و قوای حاکمه، و قوای مجریه اش، مبتنی بر حوائج زندگی است، و این حاجت زندگی است که ایجاب می کند چنین سلطنتی و چنین قوانینی بوجود آید، تا حوائج انسان را که عوامل زمانی و مکانی آن را ایجاب می کند بر آورد بهمین جهت چه بسا میشود که متاعی را مبدل بمتاعی دیگر، و منافع را فدای منافع بیشتر، و حکمی را مبدل بحکمی دیگر می کند، بدون اینکه این دگرگونیها در تحت ضابطه و میزانی کلی در آید، و بر همین منوال مسئله مجازات متخلفین نیز جریان می یابد، با اینکه جرم و جنایت را مستلزم عقاب میدانند، چه بسا از اجراء حکم عقاب بخاطر غرضی مهم تر، که یا اصرار و التماس محکوم بقاضی، و تحریک عواطف او است، و یا رشوه است، صرف نظر کنند، و قاضی بخاطر عوامل نامبرده بر خلاف حق حکم براند، و تعیین جزاء کند، و یا مجرم پارتی و شفيعی نزد او بفرستد، تا بین او و خودش واسطه شود، و یا اگر قاضی تحت تاثیر اینگونه عوامل قرار نگیرد، پارتی و شفيع نزد مجری حکم برود، و او را از اجراء حکم باز بدارد، و یا در صورتی که احتیاج حاکم بیول بیشتر از احتیاجش بعقاب مجرم باشد، مجرم عقاب خود را با پول معاوضه کند، و یا قوم و قبیله مجرم بیاری او برخیزند، و او را از عقوبت حاکم برهانند، و عواملی دیگر نظیر عوامل نامبرده، که احکام و قوانین حکومتی را از کار می اندازد، و این سنتی است جاری، و عادت است در بین اجتماعات بشری

۱) عیاشی، از هارون بن محمد حلبی روایت کرده است که او گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره کلام خداوند متعال: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ پرسیدم، ایشان فرمود: آن، فقط مخصوص ماست ۲) از محمد بن علی روایت شده است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره کلام خداوند متعال: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ پرسیدم، ایشان فرمود: آن، مخصوص خاندان محمد صلی الله علیه و آله است ۳) از ابی داود، از کسی که فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنیده بود، روایت شده است که حضرت فرمود: من، بنده خدا هستم و اسم احمد صلی الله علیه و آله است و نیز من، بنده خدا هستم و اسم اسرائیل است هرچه را خداوند به او فرمان داده، به من فرمان داده است، و هرکجا خداوند او را منظور داشته، مرا منظور داشته است ۴) حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل فرمود: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ و موسی علیه السلام و هارون را برای پیامبری به سوی پیشینیان شما فرستادم و این گونه ما آنان را به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و جانشینی علی علیه السلام و امامت خاندان پاکش رهنمون شدیم و بر این امر از شما عهد و پیمانی گرفتیم که اگر به آن وفا کنید، پادشاهان بهشت و شایسته بخشش ها و شادمانی های آن خواهید شد «وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» یعنی، با پیشینیان شما چنین کردم و آنان را در دین و دنیا برتری بخشیدم و اما آنان را در دین برتری بخشیدم؛ چرا که ولایت محمد صلی الله علیه و آله و علی و خاندان پاک ایشان علیه السلام را پذیرفتند؛ و نیز در دنیا برترشان داشتیم و ابرها را بر سرشان سایبان کردم و برایشان انگبین و عسل فرو فرستادم و از سنگ، آبی گوارا به آنها نوشاندم و برایشان دریا را شکافتم

ترجمه حسین انصاریان

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ کلمه کیل به معنای مقیاسی است که متاع را از نظر حجم با آن می سنجند و وفا کردن به کیل به این معناست که آن را کم نگیرند، و کلمه قسطاس به معنای ترازویی است که متاع را از نظر وزن با آن می سنجند، و استقامت قسطاس به این است که آن را عادلانه به کار بزنند و این دو آیه دستور می دهد به اینکه کم فروشی نکنند و در دادن و گرفتن کالا کیل و ترازو را درست به کار ببرند

. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): لَا الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يُحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسِبَةِ الشَّرِيكِ لِشَرِيكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ آيِنٍ مَطْعَمُهُ وَ مِنْ آيِنٍ مَشْرَبُهُ وَ مِنْ آيِنٍ مَلْبَسُهُ أَمْ مِنْ حِلٍّ ذَلِكَ أَمْ مِنْ حَرَامٍ؟ انسان از تقواییان نیست مگر آن که سخت تر از حسابرسی شریک از شریک، از خود حساب بکشد و بداند خوردنی، نوشیدنی و پوشیدنی اش از کجاست آیا از حلال است یا حرام؟ (الزهد ص ۱۷، ح ۳۷) همه باید بدانند که در قیامت به همه کارها حسابرسی می شود فروشندهگان نباید در اجناس خود کم فروشی کنندو تقوا داشته باشند و مال حرامی را وارد زندگی خود نکنند

گفتار دوم، آثار اجتماعی تقوا

داشتن تقوا در اجتماع دارای اهمیت است با رعایت تقوا علاوه بر افزایش ایمان وسعادتمندی خود باعث رشدوهدایت دیگران می شود در این قسمت چند مورد از آثار اجتماعی تقوا بررسی شده است

۱. تقوا در گواهی

وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَخْسِ مَنَّهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ بَجَرَةٍ حَاضِرَةً تُدْبرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُقُوكُمْ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمْ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۲۸۲

ای اهل ایمان! چنانچه وامی به یکدیگر تا سر آمد معینی دادید، لازم است آن را بنویسید و باید نویسنده ای [سندش را] در میان خودتان به عدالت بنویسد و نباید هیچ نویسنده ای از نوشتن سند همان گونه که خدا [بر اساس قوانین شرعی] به او آموخته است، دریغ ورزد او باید بنویسد، و کسی که حق به عهده اوست باید [کلامش را جهت تنظیم سند برای نویسنده] املا کند، و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را نکاهد و اگر کسی که حق به عهده اوست، سفیه یا ناتوان باشد، یا [به علتی] نتواند املا کند، ولی و سرپرست او به عدالت املا کند و دو شاهد از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبود، يك مرد و دو زن را از میان شاهدانی که می پسندید شاهد بگیرید، تا اگر یکی از آن دو زن [واقعیت را] فراموش کرد، آن دیگری او را یادآوری کند و شاهدان هنگامی که [برای ادای شهادت] دعوت شوند [از پاسخ دعوت] امتناع نورزند، و از نوشتن [سند وام] تا سرآمد معینش، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشود، این [کار] نزد خدا عادلانه تر و برای اقامه شهادت پابرجاتر، و به اینکه [در جنس وام، اندازه آن و زمان پرداختش] شك نکنید [و ستیز و نزاعی پیش نیاید] نزدیک تر است مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود دست به دست می کنید، در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید و هرگاه داد و ستد کنید شاهد بگیرید و نباید به نویسنده و شاهد زیان برسد و اگر زیان برسانید، خروج از اطاعت خداست که گریبانگیر شما شده است و از خدا پروا کنید و خدا [احکامش را] به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست

ترجمه حسین انصاریان

بیان آیات بیان و توضیح دو آیه شریفه مربوط به احکام قرض و رهن یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ كَلِمَةً تَدَانِيْتُمْ که مصدر تداینتم است به معنای قرض دادن و قرض گرفتن است، و کلمه املا و کلمه املاء هر دو به معنای این است که شما بگوئید و دیگری بنویسد، و کلمه بخس به معنای کم گذاشتن و حیف و میل کردن مال مردم است، و کلمه سامة که مصدر تساموا است به معنای خسته شدن است، و کلمه مضاره که مصدر لا يضار است به معنای ضرر زدن طرفینی است که هم در مورد دو نفر استعمال می شود، و هم در مورد جمعیت، و کلمه فسوق به معنای خارج شدن از اطاعت است، و کلمه رهان به معنای مالی است که به گرو گیرند، و به جای آن، کلمه رهن (به ضمه راء و ضمه هاء) نیز قرائت شده، و رهن جمع رهن است که آن نیز به معنای مالی است که به گرو گیرند و در جمله: فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا می توانست بفرماید: فان كان سفیها، چون ضمیر کان به الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ که در سابق آمده بود بر می گشت، و حاجت به تکرار آن نبود، و اگر آن را تکرار کرده برای این بوده که اشتباهی پیش نیاید، و کسی خیال نکند مرجع ضمیر، کلمه کاتب

و آله و سلم از او پرسید: چه شده است؟ جوان، حضرت را در جریان امر گذاشت، جبرئیل این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرمود: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (۲) محمد بن یعقوب: از علی بن ابراهیم، از پدرش، از بکر بن صالح، از قاسم بن برید، از ابو عمرو زبیری، از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل کرده است که امام فرمود: خداوند واجب کرده که انسان به آنچه خدا بر او حرام کرده است، نگاه نکند و از آنچه برای او حلال نیست، روی برگرداند و این همان عمل اوست که ناشی از ایمان است خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» «مراد آن است که: خداوند مردان مؤمن را از نگاه کردن به عورت خود و برادرانشان نهی کرده و همین طور از آنان خواسته که اجازه ندهند که به عورت آنان نگاه شود و فرموده: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» خداوند در این آیه به زنان دستور داده تا به عورت یکدیگر نگاه نکنند و عورت خود را پوشیده نگاه دارند تا دیگران عورت آنان را نبینند آن حضرت فرموده که در همه جای قرآن، منظور از حفظ فرج، حفظ کردن خود از زنا است جز این آیه که منظور حفظ کردن از نگاه است (۳) محمد بن یعقوب: از شماری از اصحاب ما از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن محبوب، از جمیل بن دراج، از فضیل بن یسار، روایت کرده که از امام صادق علیه السلام پرسیدیم که آیا ساعد زنان جزئی از زینت است آن طور که خداوند متعال می فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»؟ آن حضرت علیه السلام در جواب فرمودند: بله، پایین تر از روسری و پایین تر از دست بند، جزء زینت است (۴) محمد بن یعقوب: از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی، از مروک بن عبید، از یکی از اصحاب ما، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که از امام علیه السلام پرسیدم برای

مرد نامحرم چه قسمت هایی از بدن زن نامحرم، حلال است که ببیند؟ امام فرمود: صورت، پاهای دو کف دست (۵) محمد بن یعقوب: از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد، و حسین بن سعید، از قاسم بن عروه، از عبد الله بن بکیر، از زراره، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که درباره «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، فرمود: منظور از زینت ظاهر، سورمه و انگشتر است (۶) محمد بن یعقوب: از حسین بن محمد، از احمد بن اسحاق، از سعدان بن مسلم، از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که از آن حضرت درباره سخن خداوند که می فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، پرسید و ایشان در جواب فرمودند: منظور انگشتر و النگو است (۷) علی بن ابراهیم، از پدرش، از محمد بن ابو عمیر، از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: در هر آیه از قرآن که نام فرج آمده، مراد از آن زنا است به جز این آیه که مراد، نگاه کردن است از این رو، برای مرد مؤمن، حلال نیست که به عورت مرد دیگری بنگرد و همین طور برای زن، حلال نیست که به عورت زن دیگری نگاه کند (۸) علی بن ابراهیم در روایتی از ابو جارود از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت درباره آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ» فرموده است: منظور از زینت های ظاهر، لباس، سورمه، انگشتر، حنای دست و دست بند است زینت بر سه قسم است: یکی زینتی که برای مردم است، دیگری برای محرم و سومی برای همسر است، اما زینت هایی که برای مردم است را بیان نمودیم و اما زینت برای محرم، جای گردن بند و بالاتر از آن، جای النگو تا پایین تر از آن و جای خلخال تا پایین تر از آن است، و اما زینت زن برای همسر، تمام بدن اوست «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْأَرْبَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ» (۳۱) [یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که (از زن) بی نیازند]

امام علی علیه السلام

افضل العبادۃ العفاف

عفت، برترین عبادات است.

الکافی، ج ۲، ص ۷۹

زنان باید برای رسیدن به رستگاری عفت و حیا داشته باشند و حجاب خود را رعایت کنند و با بی حجابی هم خود را به گناه می اندازند هم دیگران را به گناه می اندازند

۳. تقوا مانع دین فروشی و خود فروشی

لَٰكِنَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نَزُلَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْكَافِرِينَ ۚ (۱۹۸) کسانی که از پروردگارشان پروا کردند [و فریفته زرق و برق زندگی مادی نشدند] برای آنان بهشت هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند [این به عنوان آغاز] پذیرایی از سوی خداست، و آنچه [غیر از بهشت و نعمت هایش] نزد خداست، برای نیکوکاران بهتر است

ترجمه حسین انصاریان

لَٰكِنَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ کلمه نزل به معنای طعام و شراب و سایر ما یحتاجی است که برای مسافر قبل از آمدنش فراهم می کنند و مراد از کسانی که چنین وضعی دارند، ابرار است، بدلیل آخر آیه که می فرماید: آنچه نزد خدا است بهتر است برای ابرار و نیکان، و همین مؤید گفتار ما است که گفتیم آیه قبلی در مقام رفع و پیشگیری از يك توهم بیجا است

"قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): مَنْ رُزِقَ تُقًى فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ هر کس تقوا روزی اش شود، خیر دنیا و آخرت روزی او شده است. (نهج الفصاحه ص ۷۶۹، ح ۳۰۱۵)

کسانی که تقوا پیشه کنند فریفته دنیا نشوند خداوند بهشت را بآنها پاداش میدهد

نتیجه گیری

در این تحقیق سعی شده آثار فردی و اجتماعی تقوا بررسی شود. نتایج نشان دادند تقوا مقدمات ایمان را در انسان ضعیف می‌کند و به سمت گناه کشیده می‌شود. تقوا انسان را با مسئولیت می‌کند و ایمان در قلب او رسوخ می‌کند و از گناه باز می‌دارد. تقوا در سبک زندگی و آثار فردی و اجتماعی انسان اثر دارد. بهترین زاد و توشه برای قیامت تقواست. انسان متقی را با هیچ قیمتی نمیتوان خرید. تقوا مانند لباسی که انسان را میپوشاند انسان را از زبیدی هاباز می‌دارد. انسان با داشتن تقوا به راه راست و صراط مستقیم راه میابد. تقوا دارای آثار فردی و اجتماعی است. چند مورد آن در مقاله آورده شده

آثار فردی تقوا عبارت است از: تقوا در امتحان تقوا، از قیامت اهمیت تقوا، تقوا مانع آدمی از کم فروشی
آثار اجتماعی تقوا عبارت است از: تقوا در گواهی تقوا، در حجاب تقوا مانع دین فروشی خود فروشی

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

- ۱ نویسنده: انصاریان، حسین ترجمه استاد حسین انصاریان، قم، انتشارات دار الصادقین، چاپ اول، ۱۳۷۳، ۲۵۰ صفحه، وزیری.
- ۲ انصاریان، حسین، ترجمه، حسین انصاریان تهران سازمان دار القرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۳ ش
- ۳ علامه سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.
- ۴ نویسنده: العیاشی، محمد بن مسعود نام کتاب: تفسیر العیاشی جلد: ۲ صفحه: ۴۰
- ۵ فرهنگ نفیسی، اثر علی اکبر نفیسی ج ۲ ص ۹۴۰
- ۶ کتاب «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام» جلد ۲ صفحه ۵۸۴ تا ۵۸۸؛ تالیف شده توسط جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی.
- منابع عربی
- ۷ سید هاشم بحرانی، موضوع البرهان فی تفسیر القرآن، قرن یازدهم، عربی، مذهب: شیعه، ناشر: بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق